

خبر: « به گزارش رسانه حکومتی عصر ایران ۲۷ آذر، معاون وزارت بهداشت رژیم گفت: وزارت بهداشت هیچ کاری نمی تواند بکند، فقط اعلام نگرانی می کند. وی افزود: مرگ سالانه ۴ هزار نفر بر اثر آلودگی هوا در تهران را هم نه تکذیب می کنیم و نه تأیید. ...»



آلودگی هوای تهران - يك خبر و چند پرسش -

آقای دکتر قصیم نظرتان راجع به خبر فوق الذکر چیست؟

- این موضعگیری رسوای معاون يك وزارتخانه، که ظاهراً مسئولیت بهداشت ملك و ملت را عهده دارست، يك اعتراف تکانهنده به بی کفایتی خودش و دیگر مسئولان مربوطه می باشد. نشانه ای آشکار از ورشکستگی تمام و کمال رژیم ولایت فقیه و ضرورت دفع و حذف آن. کمیسیون محیط زیست شورای ملی مقاومت از 18 سال پیش به این سو بارها و بارها به این بحران فزاینده توجه داده، علل و عوامل سیاسی و فنی بحران را شرح داده، نظرات و طرحهای درمانی کارشناسان دلسوز را بررسی و بازگو کرده و راه و چاه را مشخص و روشن معرفی نموده است. بدون هرگونه تردیدی، آلودگی هوای تهران، و نیز دیگر شهرهای بزرگ کشور، يك مصیبت مزمن فزاینده است که توسط بی سیاستی، فقدان مدیریت مؤثر شهری، عدم سرمایه گذاریهای لازم،

گوش نکردن به اهل علم و دانش و نظر کارشناسان دلسوز، فساد دستگاه بالایی رژیم، دریک کلام در اثر جهل و فساد رژیم حاکم گریبانگیردهها میلیون مردم تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور شده است. بی اعتنایی مرگبار این رژیم به سلامت و بهداشت عمومی مردم يك کلان شهر فرا ده میلیونی حقیقتاً تکان دهند است. هر سال بدتر از پارسال. تردیدی نیست اگر کار در دست يك دولت ملي و مترقي مي بود، اگر اهل علم و دلسوزي به حال ملت ايران در اين وزارت خانه و سازمان محیط زیست و کل قدرت حاکمه مصدر اموري بود، همان سالها پیش به درد مشترک رسیدگی می شد و کار به این جاها نمی کشید، که هر سال دهها هزار نفر - صرفاً عدد و رقم فوق الذکر را مبنا قرار ندهید، شمار واقعی مرگ و میرها بالاترست - فقط بر اثر آلودگی هوای تهران جان شان را از دست دهند.



آقای قصیم، لطفاً منابع اصلی آلوده کننده هوای تهران را توضیح دهید، ما اعداد و درصد های گوناگونی می خوانیم...

- جزییات عدد و رقم اهمیت تعیین کننده ندارند، ولی محض اطلاع عرض می کنم که در متون گوناگون دانشگاهی بارها نوشته اند 60 تا 70 درصد آلودگی هوای تهران توسط وسایل نقلیه، 15 تا 20 درصد توسط دود گاز صنایع و نیروگاههای تهران و حواشی ایجاد می شود و 15 تا 20 درصد هم آلودگی ناشی از سوخت فسیلی در وسایل گرمایش و سرمایش خانگی و تجاری است. منتها

باید توجه داشت که اینها منابع آلاینده مستقیم هستند. البته منابع غیرمستقیم هم وجود دارند که اصلاً ذکر نمی‌شوند، یا واقعیتها به مردم گفته نمی‌شود. مثلاً زباله‌سوزی، به‌خصوص آتش‌زدن تفاله‌های نفتی و پالایشگاهی، همان‌طور که گاهی با آتش‌زدن کوه زباله‌های نفتی در اطراف تهران، دفعتهً باران سیاه معروف به‌وجود می‌آید که هر از گاهی در مطبوعات نیز به آن اشاره شده و این کار در تهران و پیرامون آن زیاد صورت می‌گیرد. همین‌طور تخریب منابع تولید اکسیژن هوای تهران، یعنی فضای سبز درون و پیرامون شهر است. جزئیات مشخص عناصر و عوامل آلودگی را در نوشته‌های کمیسیونی بارها شرح داده‌ام.

دکتر قسیم، ممکن است یک بار دیگر این عناصر آلاینده هوای تهران را ذکر کنید؟

- فهرست مواد آلاینده هوای شهرها طولانی است. ولی 5 دسته آلاینده‌ها از همه مهمترند و به‌لحاظ درجه تراکم دائمی و آثار خطرناکی که دارند، در رأس این سیاهه قرار می‌گیرند. من، کوتاه و فشرده عرض می‌کنم:

1- اکسیدهای کربن، به‌ویژه منواکسید کربن، ناشی از احتراق ناقص سوخت‌های فسیلی. گاز بی‌رنگ و بو، که در غلظت پایین خستگی، سردرد و سرگیجه و ضعف نیز ایجاد می‌کند و ناراحتی‌های ریوی و امراض قلبی را شدت می‌بخشد و در غلظت‌های بالا (مثل وضعی که هنگام ذغال‌گرفتگی پیش می‌آید یا در موقعیت دود مه شدید و طولانی هوای شهر) می‌تواند کشنده باشد. این گاز خطرناک قابلیت ترکیبش با هموگلوبین خون 200 برابر اکسیژن است و تولید کربوکسی هموگلوبین می‌کند، که نه‌تنها جلو اتصال اکسیژن به هموگلوبین را می‌گیرد، بلکه مانع آزاد شدن اکسیژن از اکسی هموگلوبین باقیمانده نیز می‌شود. با این فعل و انفعالات کمبود اکسیژن در بافتها پیدا می‌شود و اعضای حیاتی بدن، چون قلب و مغز، صدمه می‌بینند؛ در یک کلام انفارکتوس زیاد می‌شود، تنگی نفس و بیماری‌های ریوی و حتی خفگی پیش می‌آید.

دی‌اکسید کربن معروف به گاز «گلخانه‌یی» که در غلظت‌های بالا خطرناک است، ولی در هر غلظتی که باشد، گرم‌کننده اتمسفر است و مضر به حال جو.

2- اکسیدهای گوگرد، که به‌خصوص در هوای تهران به تراکم شدیدی می‌رسند و بیشتر ناشی از سوخت‌هایی چون گازوئیل و مازوت‌اند، بوی زننده‌یی دارند و به‌آسانی با بخار آب ترکیب شده تولید اسید می‌کنند. این ترکیبات سمی باعث انواع حالت‌های

خارش، سوزش چشم و سرفه می‌شوند. علاوه بر عوارضی که برای انسان، به‌خصوص اطفال و افراد مسن، دارند، فضای گیاهی را هم مریض می‌کنند و رفته‌رفته موجب مرگ و میر درختان می‌شوند.

3- اکسیدهای ازت، بسیار سمی هستند و نقطهٔ حملهٔ آنها به‌خصوص اندامهای تنفسی‌اند. اثر خطرناک دیگر تراکم گازهای ازت آن است که تحت تأثیر نور خورشید، وارد فعل و انفعالات فتوشیمیایی می‌شوند و حالت معروف به اسماگ را به‌وجود می‌آورند. مثلاً تولید اُزون زیاد می‌شود، که البته، برای تنفس خطرناک است.

4- هیدروکربنهای نسوخته، در دو گروه، الفینها و آروماتیکها، نقش مهم و خطرناکی در آلوده کردن هوای شهرها ایفا می‌کنند، چون هم بسیاری از آنها سرطانزا هستند و هم در واکنشهای فتوشیمیایی، که به اسماگ می‌انجامد، مداخله می‌کنند. یکی از خطرناکترین این مواد بنزول است، که در مقادیر بسیار کم هم سرطانزاست و معمولاً در گزارشهای به‌اصطلاح مسئولان ترافیک تهران کلمه‌یی به آن اشاره نمی‌شود. موتورسیکلتها بیشترین مقدار هیدروکربنها را تولید می‌کنند و تراکم آن در هوای تهران گاه به 100 برابر حد مجاز می‌رسد.

5- فلزات سنگین و سمّی، به‌ویژه سرب، به‌صورت اکسید سرب، به‌طور عمده از لوله آگروز خودروها وارد هوای تهران می‌شود و با همین ترکیب وارد ریه شده و رفته‌رفته موجب مسمومیت با سرب می‌گردد، به‌خصوص در بچه‌ها. علایم اولیهٔ این مسمومیت، بی‌اشتهایی، بی‌حوصلگی و کمبود تحرک است و به‌تدریج تغییر فرم گلبولهای قرمز خون، کاهش ضربان نبض، بالا رفتن فشار خون، چروک خوردن و نارسایی کلیه، آسیبهای عضلانی، سردردهای شدید، امراض عصبی و مفصلی پیش می‌آید. در نوزادان و خردسالان باعث افت ضریب هوش و در بانوان به‌هم‌خوردن عادت ماهانه می‌شود.



ممنون دکترقصیم, سخن آخرتان ؟

- به نظر من عامل سياسي تعيين کننده است: يعني همين رژيم ولايت فقيه كه قدرت پرستي، جهل و جنايتكاري خصلت نماي دسته بنديها، سياستها و خطوط راهنماي اعمالش شده. رژيم خامنه اي ضد مردمی و فاسد است. به نیازمندیهای عمومی، به محیط زیست شهرها و بهداشت توده های مردم، به رفع آلودگیها و... توجهی ندارد، اعتنا نمی کنند که سی سالست بحران آلودگی هوای تهران و شهرهای دیگر رو به افزایش رفته و سالهاست مرگبار شده و محتاج رسیدگی اورژانسی و طرحهای جدی رفع آلودگی است. سرمایه ها را به سرکوب و غارت می برند. البته در مورد این بحران نیز، مانند سایر بحرانهای کشور، علم و دانش و کارشناسان حرف درست را زده اند، راه و چاه معلوم و مشخص شده، ولی تا این دارو دسته ها سرکارند کار به دست کاردان سپرده نمی شود. رژيم بايد برود، اهل علم و کار و دلسوزي به حال ملك و ملت بايد سکاندار شوند تا کشتي طوفانزده به ساحل نجات برسد. اينست کلید گشایش قفلها.